

عنوان مقاله:

بررسی تحقق قواعد مشارکت گرایس در گفتگوهای داستان رستم و اسفندیار

محل انتشار:

همایش علمی شاهنامه و پژوهش های آیینی (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 1

نویسندگان:

سرورسا ربیع زاده - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

اعظم جنتی فر - کارشناسی قطب علمی فردوسی شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و دانشجوی کارشناسی دانشگاه پیام نور یزد

خلاصه مقاله:

داستان رستم و اسفندیار یکی از داستانهای شاهنامه است، که برخلاف سایر داستانها به جای نبرد بین خیر و شر، دو شخصیت مینوی را در برابر هم قرار میدهد. این دو شخصیت از سرشناس ترین چهره های مثبت شاهنامه اند، که در نبردی ناخواسته یکی به دست دیگری کشته میشود. این داستان در ذهن خواننده ای که همیشه احساس همدلی با نیکان داشته، سوالی ایجاد میکند و او را در جانبداری و همدلی با یکی از دو طرف مردد میسازد، اما شگردهایی که برای چگونگی رویارویی این دو پهلوان نیک سرشت در این داستان به کار رفته و حتی توجیه این رویارویی، خواننده را کمک میکند که با هر دو پهلوان، احساس همدلی اش را حفظ کند. از این رو داستان مذکور را میتوان با رویکردهای مختلف زبان شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از جمله این بررسیها مطالعه کاربردشناسانه متن است. در مقاله حاضر که تحقیقی داده بنیاد است، به لحاظ نظری با تکیه بر اصول و مبانی نظریه مشارکت گرایس، به تبیین عوامل موثر در تولید و درک متن پرداخته میشود و گفتگوهای شخصیتهای داستان را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد. این جستار سعی خواهد کرد که به این پرسشها پاسخی درخور ارایه دهد: 1- تا چه میزانی قواعد چهارگانه گرایس در داستان رستم و اسفندیار رعایت شده است - 2 به چه علتی از اصل مشارکت سرپیچی شده و فردوسی دنبال چه اهدافی بوده است علاوه بر اینها به مفاهیم ارجاع، ادب و تعامل، استلزام و پیش-انگاشت نیز پرداخته میشود و میزان به کارگیری آن در این متن بررسی میگردد.

کلمات کلیدی:

کاربردشناسی، اصول مشارکت، رستم و اسفندیار، فردوسی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/852319>

